



تفکیکیان به اخباریون نزدیک‌ترند یا به وهابیت؟/ گرایش به اخباری‌گری و عقل‌گریزی در فقه

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ضمن اشاره به ماهیت عقل‌گریز مکتب تفکیک بیان کرد:

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی ضمن اشاره به ماهیت عقل‌گریز مکتب تفکیک بیان کرد: فقه ما اهمتامی که باید به عقل داشته باشد ندارد، لذا همین تفکر در فقه اجتماعی ما سرازیر شده است و مشکلات و کاستی‌هایی که در عرصه سیاست‌گذاری اجتماعی داریم از همین فقهی نشات گرفته که اجتهادگرا نیست و دنبال اخبار است.

کتاب «نقد مکتب تفکیک (مسائل کلامی)» اثر حجت الاسلام والمسلمین محمدحسن قردان قراملکی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی توسط انتشارات پژوهشگاه منتشر شد.

در بخش معرفی کتاب می‌خوانیم: «درباره تفسیر دین و آموزه‌های آن، رهیافت‌های مختلفی از صدر اسلام مطرح شده است؛ یک رهیافت بیشتر به نقل و از جمله روایات اهتمام دارد، سرآغاز این جریان در اهل حدیث و ظاهرگرایان از اهل سنت در سده‌های نخست هجری است. مصداق بارز این رهیافت در تشیع معاصر، مکتب اخباری‌گری در حوزه فقه و مکتب تفکیک در حوزه عقاید است؛ برخی از دیدگاه‌های تفکیکیان در مسائل کلامی نه تنها با عقل بلکه با خود آیات و روایات نیز هم‌خوان نیستند.»

به همین بهانه با نویسنده کتاب گفت‌وگو کردیم که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید؛

ایکننا - در ابتدا خوب است برای مخاطبانی که ممکن است با مکتب تفکیک آشنایی نداشته باشند یا به جهت اینکه تلقی‌های مختلفی از مکتب تفکیک وجود دارد، توضیحی درباره این مکتب ارائه بفرمایید.

درباره اصطلاح مکتب تفکیک باید عرض کنم این اصطلاح از کلمه مکتب و تفکیک ترکیب شده است. البته مقصود ما از مکتب، یک سیستم معرفتی متشکل از مبانی و رویکردها و اهداف نیست بلکه به معنای دیدگاه است. در رابطه با اصطلاح تفکیک هم باید عرض کنم کسانی که دنبال این مکتب هستند معتقدند در حوزه دین پژوهی به خصوص در حوزه معرفت‌شناسی باید بر اساس نقل حرکت کنیم و منظور آنها از نقل، صرف روایات است. مطابق این باور باید در تفسیر آموزه‌های اعتقادی و کلامی، از منظر روایات به تبیین معارف و آموزه‌های دینی بپردازیم.

این تفکر تا این اندازه خوب است ولی آنچه نقطه ضعف و کاستی این طرز نگاه کردن به آموزه‌های معارفی است این است که اینها حصرگرا هستند یعنی می‌گویند تبیین حوزه‌های دین فقط از منظر روایات باشد، یعنی محورشان اخبار و روایات است. این حرف شبیه جریانی در فقه و اصول است که مدعی هستند در حوزه فقه و احکام نباید سراغ اجتهاد برویم، نباید سراغ عقل برویم و فقط باید به ظاهر روایات عمل کنیم. این جریان به اخباریون معروف شدند. ما مشابه همین جریان را در حوزه عقاید و کلام می‌بینیم که توسط میرزا مهدی اصفهانی تاسیس و به نام مکتب تفکیک مشهور شد و همانطور که عرض کردم مدعی هستند باید در تبیین آموزه‌های اعتقادی و کلامی محور را ظاهر روایات قرار دهیم و به همین خاطر نقشی برای عقل قائل نیستند، کما اینکه برای قرآن هم ارزشی قائل نیستند. آقای حکیمی که خودشان از طرفداران این جریان بودند و برای نخستین بار اصطلاح تفکیک را به کار بردند، مرادشان از تفکیک همین بود یعنی می‌گفتند باید در تفسیر دین نقل و عقل از هم تفکیک قائل شوند و نباید در تفسیرآموزه‌های دین سراغ عقل و فلسفه برویم.

حال این پرسش مطرح می‌شود که آیا در مقام تصور، ممکن است که عقل را کنار بگذاریم و فقط بگوییم روایات محور کار باشد؟ خیر، چون در فهم روایت هم عقل نقش برجسته دارد و کسانی که طرفدار مکتب تفکیک هستند برای اثبات مدعای خودشان استدلال عقلی می‌آورند.

ایکننا - سوال بعدی این است که در نقد مکتب تفکیک آثار متعدد تالیف شده است، به عنوان نمونه کتاب «سودای تفکیک» که آقای حسن اسلامی اردکانی چند سال پیش منتشر کردند. پژوهشی که شما انجام دادید برای جبران کدام خلأ در این حوزه بوده

است؟ یعنی آیا رویکرد جدیدی در نقد مکتب دارید یا پاسخ‌ها و نقدهای جدیدی را مطرح کرده‌اید؟

پیرامون سوال شما به دو نکته اشاره می‌کنم؛ اول اینکه کتاب ما که در قالب دو دفتر منتشر شده است جامع ادعاهایی است که تفکیکیان دارند و در این دو دفتر، به نقد و بررسی آنها پرداخته شده است. کتاب‌های که قبلاً نوشته شدند هم خیلی خوب بودند ولی بیشتر آنها یکی دو موضوع را بررسی کردند ولی این دو کتاب کامل و جامع هستند. این یک ویژگی که خلأ آثار گذشته را جبران می‌کند.

ویژگی دوم کتاب ما این است که بیشتر تحلیل و نقد جریان تفکیک را از منظر آیات و روایات مورد نظر قرار داده است. تفکیکی‌ها مدعی هستند می‌خواهند با روایات اهل بیت(ع) آموزه‌های دینی را تبیین کنند لذا ما هم سراغ روایات اهل بیت(ع) رفتیم و مدعیات تفکیکیان را از حیث میانی و مسائل، از منظر خود قرآن و روایات نقد کردیم.

ایکنا - گفتید این کتاب، دفتر دوم است. ابتدا بفرمایید موضوع دفتر اول چه بوده است و آیا این آثار باز هم ادامه خواهد داشت یا خیر؟

دفتر اول ناظر به میانی تفکیکیان است. هر دیدگاهی مطرح می‌شود یکسری اصول و میانی دارد که آن اصول و میانی را ابتدا اثبات می‌کنند و بعد مسائلی که در همین حوزه دارند، بر اساس این میانی و اصول تبیین می‌کنند. تفکیکیان هم یکسری میانی دارند و بعد از آن میانی، در مسائلی که در حوزه دین پژوهی دارند از آن استفاده می‌شود. دفتر اول اختصاص به میانی دارد و ما میانی تفکیکیان را تحلیل و نقد کردیم.

من در ابتدای دفتر اول، اشاره‌ای به مکاتب دین پژوهی داشتم. در فصل دوم یکی از میانی مکتب تفکیک که قرآن است را مورد بررسی قرار دادم و از حیث سند و دلالت دیدگاه تفکیکیان را در این حوزه توضیح دادم. برخی تفکیکیان از جمله موسس مکتب تفکیک، در مورد قرآن قائل به تحریف شده است. این باور، یک آسیب بزرگ معرفتی در حجیت قرآن وارد می‌کند. بخش بعدی این فصل بحث دلالتی است، یعنی ارزش معرفت شناختی آیات. اینها می‌گویند ظواهر قرآن برای دیگران حجت نیست و حجیت آن منحصر به چهارده معصوم است لذا دیگران نمی‌توانند از ظواهر قرآن مطلبی را استنباط کنند. این آسیب معرفتی بزرگ دیگری است که از سوی تفکیکیان بر قرآن وارد می‌شود.

میانی دوم آنها به روایات برمی‌گردد. ما گفتیم در روایات هم باید بحث سندی و دلالتی داشته باشیم. تفکیکیان علی‌رغم اینکه معتقدند روایات را محور قرار می‌دهند ولی در سند روایات خیلی توجه و اهمیتی ندارند و این ضعفی برای آنهاست. بخش بعدی بحث دلالتی است که آنها بیشتر از روی ظاهر، روایات را معنا می‌کنند و برای عقل اعتباری قرار نمی‌دهند. منبع سومشان که خیلی حساس است بحث عقل است. خودشان نمی‌توانند ادعا کنند به اعتبار عقل قائل نیستیم یعنی خودشان می‌گویند عقل گرا هستیم ولی وقتی وارد عبارات تفکیکیان می‌شویم می‌بینیم که عقل در دو حوزه وجودشناختی و معرفت شناختی مورد قبول تفکیکیان نیست و آنها عقل انسان را به معنای اینکه انسان در ذات خودش عقل داشته باشد منکر هستند و درباره دلالت عقل نیز معتقدند عقل خطا می‌کند و اطمینان بخش نیست لذا علوم بشری را به شدت نهد می‌کنند.

این را داخل پراکنش عرض کنم که ما می‌توانیم تفکیکیان را در سه لایه و سه طیف تقسیم بندی کنیم؛ در طیف اول، خود موسس مکتب تفکیک قرار دارد که خیلی افراطی بود. وقتی به دوره میانه می‌آییم، تفکیکیان نسبت به عقل روی خوشی نشان دادند لذا می‌توان آنها را به طیف دوم دسته بندی کرد. تفکیکیان طیف سوم که در مشهد حضور دارند گروهی هستند که علاوه بر عقل، فلسفه را هم در ظاهر قبول می‌کنند.

دفتر دوم کتاب ناظر به مسائل کلامی است. ما مسائل کلامی را از خداشناسی شروع کردیم و تا معادشناسی ادامه دارد. این کتاب چهار فصل دارد. فصل اول بحث خداشناسی است. در این بخش دیدگاه‌های تفکیکیان را درباره خداشناسی آوردیم از جمله اینکه آنها منکر صفات ذاتی خداوند هستند، همچنین منکر شناخت معنای صفات خدا هستند، در واقع آنها به الهیات سلبی قائل هستند و الهیات اثباتی را قبول ندارند. فصل دوم مربوط به جهان‌شناسی است و در آن مسائلی همچون بحث حدوث و قدم عالم مطرح است، بحث رابطه خدا با جهان مطرح است، بحث انواع مجردات مطرح است. فصل بعدی انسان‌شناسی است. تفکیکیان منکر تجرد نفس هستند، همچنین منکر عقل ذاتی انسان هستند که ما در این بخش دیدگاه‌های آنها را نقد و بررسی کردیم. آخرین فصل هم بحث معادشناسی است. آنچه بیشتر بین تفکیکیان و کلام فلسفی مورد اختلاف است همین بخش و مسائلی نظیر معاد جسمانی و عذاب‌های اخروی است. اینها کلیات و رئوس دو دفتر است. فعلاً برنامه‌ای درباره کتاب سوم نداریم.

ایکنا - شاید خواننده ای که مطالب شما را می خواند چنین تصور کند که تفکر مکتب تفکیک به نوعی شبیه به تفکرات جریان وهابیت در اهل سنت است. آیا این تلقی درست است و شباهتی میان دو جریان وجود دارد؟

من در صحبت هایم مکتب تفکیک را به اخباریون تشبیه کردم. ما در حوزه فقه و اصول فقهای داریم که معتقد به اجتهاد و عقل هستند، ولی اخباریون می گویند نباید به عقل اهمیت بدهیم و فقط ظاهر روایات حجت هستند. تفکیکیان هم فقط به ظاهر روایات عمل می کنند. من نمی خواهم تفکیکیان را به وهابیت تشبیه کنم ولی این دو جریان می توانند وجه مشترک داشته باشند چون جریان وهابیت هم مدعی است که به ظواهر آیات و روایات اهتمام دارد و از عقل دور است. از این حیث می توانیم همین را به عنوان وجه شبه این دو جریان قرار دهیم و این شباهت را نمی شود انکار کرد. البته من در این کتاب تفکیکیان را به جریان اهل حدیث در اهل سنت تشبیه کردم که به حدیث و آن هم ظاهر حدیث اهتمام دارند.

اصطلاح جدیدی که مطرح است نواخباریون است. نواخباریون به کسانی اطلاق می شود که اخباری به معنای فقه و اصولی نیستند و فقه و اصول و اجتهاد را انکار نمی کنند ولی در حوزه اعتقادات و معارف و کلام نقش عقل را حذف یا کم رنگ می کنند. کسانی که نقش عقل را در حوزه های مختلف علوم اسلامی و معارف حذف یا کم رنگ می کنند دنباله رو اخباریون هستند و اصطلاح جدیدی که برای اینها به کار می رود نواخباریون است، یعنی در واقع اخباری هستند ولی اخباری پنهان، عقل گریز هستند ولی عقل گریز پنهان، چون در ظاهر همه شان می گویند به عقل اهتمام داریم و با فلسفه مخالف نیستیم ولی وقتی دل عباراتشان را بشکافیم می بینیم با عقلی که ما مطرح می کنیم مخالف هستند و از فلسفه و عقل مفهومی که خودشان به آن اعتقاد دارند را در نظر دارند. از این حیث من بیشتر اینها را نواخباری می دانم.

ایکنا - یک پرسش دیگر که پرسش مهمی هم هست اینکه آیا فقه موجود در جامعه یعنی فقهی که حاکم است و مناسبات اجتماعی مردم را تنظیم می کند و بازتاب آن را در قوانین و مقررات کشور و سیاست گذاری های کشور می بینیم با فقه عقل گرایی که شما اشاره کردید قرابت بیشتری دارد یا فقهی که برخاسته از مکتب تفکیک است؟

ما یک ماه پیش در پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه همایشی برگزار کردیم که بنده دبیر علمی آن همایش بودم و عنوان همایش «اجتهاد عقل گرا» بود. ما دنبال فقه و اجتهادی هستیم که در آن عقل محور باشد و در کنار قرآن و روایات، عقل محور کلیدی باشد ولی چه بسا در حوزه علمیه درس خارج هایی داریم که به اسم در حوزه فقه و اجتهاد هستند ولی عملاً گرایش اخباری دارند یعنی فقه ما بیشتر اخبار را محور قرار داده تا عقل. اینجاست که مطالبی وجود دارد که صریحاً نمی شود گفت ولی فی الجمله فقه ما اهمیتی که باید به عقل داشته باشد ندارد لذا همین تفکر در فقه اجتماعی ما سرازیر شده است و مشکلاتی و کاستی هایی که در عرصه فقه و سیاست گذاری اجتماعی داریم از همین فقهی نشات گرفته که اجتهادگرا نیست و دنبال اخبار است.

به همین مناسبت می توانیم به مدیریتی که در حوزه سیاست داخلی و خارجی در کشور داریم همین اشکال را وارد بکنیم که بیشتر مبتنی بر اجتهادی است که بر پایه عقل نیست و تکیه آن بر نقل است. حرف گفتنی در این زمینه زیاد است که در این فرصت نمی توان به آن پرداخت.